Glossary

SystemYar Online Courses

Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1400 – Student Glossary – UNIT 1401

Lesson No: 1401 Tags: American Language Course, UNIT 1401, Glossary

Single Arrange مفرد، یک نفره، آدم مجرّد

Single room اتاق ىك نفره

Bath = bathroom حمّام

Face(v.) روبرو بودن

Floor طبقه ساختمان

It's on the third floor. آن در طبقه سوم است؛ روبروی facing Fifth Avenue. (مشرف بر) خیابان پنجم.

Rate نرخ (هتل)

Fill in تكميل كردن(فرم)

Bellboy پیشخدمت هتل، پادوی هتل

Bring up بالا آوردن وسايل

لطفاً بديد پيشخدمت ساكهاي من Have the bellboy bring up my bags, please. رو بياره بالا. (جمله سيي)

Key كلىد

Here's you key. بفرماييد كليدتون.

Take up بالا بردن

The bellboy will take you پیشخدمت شما را بالا خواهد برد. up. (تا طبقه بالأهمراه شما مباد.)

Take a bath حمام کردن، به حمام رفتن

Take a shower دوش گرفتن

Does your class face the آیا کلاس شما رو به پارک است؟ park?

On the fifth floor در طبقه پنجم

Do you have your key with you? كليدت همراهت است؟

Married متأهل، ازدواج كرده

Take leave مرخصي گرفتن

At last بالاخره، سرانجام Pleased(adj.) خشنود، شاد و خوشحال

Make plans برنامهریزی کردن

Extra اضافي

Wonderful عالي

Exciting هیجان آور

Experience

Pack بسته بندی کردن، ساک بستن (برای سفر) ترتيب دادن

The next day روز بعد

Shop for خريدن

To be to = to be supposed to قرار بودن

او قرار بود ظرف چند روز [آينده] He <u>was to</u> fly to New York in a few days. به نیویورک پرواز کند.

Stay(n.) ماندن، اقامت

He had <u>already</u> made او تا آن موقع برنامههای زیادی را برای many plans for his stay اقامتش در نيويوک چيده بود. in New York.

Empire State عمارت معروف امیایر استیت در نیویورک (در زمان **Building**

خود بلندترین برج جهان بوده است.) **Statue**

The Statue of Liberty مجسمه آزادی(در نیویورک)

Rockefeller Center مركز تجاري راك فلر

Museum موزه

Museum of Modern Art موزه هنر[های] معاصر

Get back = return بازگشتن

بازار، مرکز خرید **Shopping center** Square

Times Square تایمز اسکور، میدان تایمز در نبو بورک که در آنجا

سینماها و تئاترهای معروف نیویورک قرار دارد.

Through لا به لاي، در داخل

We had an exciting trip ما سفر جالبي به كوهها داشتيم. (در through the mountains. بين كوهها سفر كرديم.)

Fair نمایشگاه

World

نمایشگاه بین المللی World's fair = Int'l fair

مُجَرَّب، با تجربه، دارای تجربه با به یک مرد دارای تجربه نیاز داریم. We need a man with

experience.

With experience

Modern pictures سینمای مدرن، فیلم های نوین

Have you packed your هنوز چمدانت را نبستهای؟ suitcase yet?

Page 1 of 3 www.systemyar.com

Glossary

System Yar Online Courses

Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1400 – Student Glossary – UNIT 1401

Lesson No: 1401 Tags: American Language Course, UNIT 1401, Glossary

I packed mine last night.

من مال خودم را (ساک خودم را)

ديشب بستم.

ليو ان

Glass

در غیر اینصورت، وگرنه، و الّا

Pack the glasses carefully ليوانها را با دقت بسته بندى كن <u>or</u> they'll break.

or they'll break. وگرنه خواهند شکست. Pleased with

راضي بودن حسود بودن

They were pleased with ... is a series of the courwork.

Are you pleased with your آیا از رادیوت راضی هستی؟ باهاش آیا از رادیوت راضی

از اقامت پیش شما لذت بردم. از you.

از قبیلِ، شاملِ، مانندِ

Leave(n.)

Our <u>leave</u> is coming مرخصي ما بالاخره داره مي رسه. بالاخره **at last.**

داره [وقت] <u>مرخصی</u> ما میشه. **Have a good time!**خوش بگذره!

مرخصی گرفتن (برای رفتن به تعطیلات) Take a vacation

مرخصی کرفتن(برای رفتن به تعطیلات) Take a vacation

امن مرخصی ام را در کوهستان الام دا در کوهستان الام الام دا در کوهستان الام کذراندم.

چند وقت یکبار...؟ چند وقت یکبار...؟

<u>How often</u> do you take چند وقت یکبار آیا شما به مرخصی leave?

.--,55

داستان درباره چه کسی است؟ پاکسی است؟

Proceed دادن

In the same way همين ترتيب، به همين شکل

In this way

Rest استراحت کردن

سر زدن(به کسی یا منزل کسی)

زمان گذشته کامل یا ماضی بعید، زمانی است که Tense بر انجام گرفتن کاری یا روی دادن حالتی قبل از

یک عمل دیگر در زمان گذشته دلالت می کند.

معين، مشخص

واقع شدن، اتفاق افتادن واقع شدن، اتفاق افتادن

قصد داشتن، نیت داشتن

پرسشی، سؤالی، استفهامی Interrogative

طوفان

هزينه برداشتن، خرج داشتن

همان، همین

از همان ابتدا happing از همان ابتدا

Repairs تعميرات

بیش از، بیشتر از بیشتر از

بیش از یک ساعت بیش از یک ساعت

In the country

عکس گرفتن عکس گرفتن

دوربین عکاسی یا فیلم برداری دوربین عکاسی ا

پال، مي شه پنجره رو باز کني؟

window, Paul?

خیلی وقته اینجایی ادوارد؟ Have you been here long,

Edward?

مغازہ خشکشویی، اتوشویی

یه لطفی به من می کنی؟ Would you do me a favor?

Sure, I'll be glad to. البته، خوشحال مي شم.

یه سفر برای من صرفه جویی میشه. په سفر برای من صرفه جویی می

يه سفر كمتر بايد برم.

درد سر، زحمت درد س

ا الميدوارم خيلي [براتون] زحمت لميدوارم خيلي [براتون] زحمت trouble.

. اصلاً زحمتی نیست. No trouble at all.

جا، فضا

من تو ماشينم جا زياد دارم. . . I have <u>plenty of room</u> in my car

 Hang
 آويزان کردن، آويختن

 Stay home
 فتن

Look around گشت و گذار کر دن

By myself خودم به تنهایی

aterested in a علاقهمند به

As though = as if گویی، انگار، اینگار

Page 2 of 3 www.systemyar.com

Glossary

SystemYar Online Courses

Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1400 – Student Glossary – UNIT 1401

Lesson No: 1401 Tags: American Language Course, UNIT 1401, Glossary



It sounds as though you had some interesting experiences. به نظر میرسه انگار تجربیات جالبي داشتي؟

Plan يلان، نقشه

Do you have the plans for آیا شما نقشه های منزل جدید را the new house?

دارید؟

Follow پیروی کردن، دنبال کردن

آنها طرحهایی که ما به آنها دادیم را They had followed the plans we gave them. دنبال کر ده بو دند.

Secretary منشى، مسؤول دفتر

Bother اذیت کردن، آزار دادن

Have the children آیا بچهها امروز شما را اذیت کردهاند؟

bothered you today?

Catch a train قطار گرفتن

آیا جان قطار شیکاگو را گرفته است؟ Has John caught the train to Chicago?

How far has James driven ماشينش چقدر رفته؟ (ماشين چميز با ماشينش

his car?

جیمز چند تا کار کرده؟)